

راهکارهای برای شاد زیستن

ترجمه‌ی:

الوسائل المفيدة في الحياة السعيدة

تأليف :

علامه شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی رحمته الله

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته الله

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۳	سعادت و خوشبختی به شکل عام در دو نوع تقسیم می گردد:
۶	مقدمه مؤلف
۷	فصل: [وسائل مفید برای دست آوردن زندگی سعادتمند]
۱۳	فصل: [بدست آوردن عمل مفید و علم با ثمر]
۱۵	و (پیامبر ﷺ) کارها را دو قسم نموده است:
۱۶	فصل: [کثرت ذکر الله تعالی]
۱۸	فصل: [فراموش کردن تکالیف و غموم گذشته و نترسیدن از آینده]
	فصل: [در وقت آسیب باید حالت بدتر از آن را در نظر گرفت، و بعداً در تخفیف
۲۰	آن کوشش نمود]
۲۱	فصل
۲۲	فصل
۲۳	در این دو فایده وجود دارد:
۲۵	فصل: [زندگی کوتاه خویش را نباید به غم و اندیشه ها سپرد]

مقدمه

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن اتبعه بإحسان
إلى يوم الدين، أما بعد:

این رساله مبارک «وسائل مفید برای زندگی سعادت‌مند» مفهوم حقیقی سعادت و خوشبختی را بیان می‌کند، که در زندگی هر انسان به حیث یک هدف عالی و ارزشمند بشمار می‌رود، و آرای متعددی در مورد مفهوم حقیقی آن، و در قسمت شیوه تحصیل و بدست آوردن آن وجود دارد.

عده‌ای از مردم چنان می‌پندارند که سعادت و خوشبختی با جمع کردن پول و مال بدست می‌آید.

و عده آن را در سلامتی و صحت اجسام، و در تأمین امن و امان در کشورها می‌بینند.
و عده دیگری آن را در رزق حلال، و حاصل نمودن علم مفید و با ثمر می‌جویند.
و برخی آن را در ایمان صادق، و عمل نیک، و پایدارماندن بر آن می‌بینند.
ولی مفهوم سعادت و خوشبختی در صورتی که با اصول و اساسات شرعی توافق داشته باشد می‌تواند این همه امور را در بر گیرد.

سعادت و خوشبختی به شکل عام در دو نوع تقسیم می‌گردد:

۱- سعادت دنیوی:

که موقت بوده، و در محدوده زندگی کوتاه و زود گذر انسان می‌باشد.

۲- سعادت اخروی:

که جاویدان، و خاتمه نه یابنده و غیر محدود است.

و این اقسام دوگانه سعادت باهم آمیخته، و با یکدیگر لازم و ملزوم می‌باشد، سعادت دنیوی از سعادت اخروی جدا نیست، و سعادت اخروی برای مسلمانان پرهیزگار مربوط است به رضائیت خداوند متعال، چنانچه خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿عَمَلٌ مِّنْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

ترجمه: هرکسی که کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، و در (صورتی که) مومن باشد؛ پس بیگمان او را زندگی پاکیزه‌ای (میسر) می‌گردانیم، و ایشان را به نکوترین اعمال‌شان پاداش می‌دهیم.

برادر گرامی! آیا میدانی که سعادت چه را گوید؟ و چگونه بدست می‌آید؟ و بدبختی چه را گوید؟ و چگونه می‌توانیم که از آن در امان باشیم؟

سعادت در اطاعت خداوند متعال و اطاعت پیامبر او ﷺ نهفته است، چنانچه شقاوت (بدبختی) در نافرمانی خداوند متعال و نافرمانی پیامبر او ﷺ نهفته است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۱]

ترجمه: و هر که فرمان الله و پیامبر او برد بی‌گمان به بزرگ‌ترین پیروزی دست یافته است.

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶]

ترجمه: و هرکسی نافرمانی الله و پیامبر او را کند بی‌گمان بگونه آشکاری گمراه شده است.

و این کتاب «وسائل مفید برای زندگی سعادت‌مند» که پیشروی ما قرار دارد تألیف علامه شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی رحمت الله علیه است، که شامل هشت فصل بوده، و در این مؤلف: اسباب، وسائل، و طرق، بدست آوردن سعادت حقیقی را در

روشنی دلائل شرعی از قرآن و سنت بیان نموده است، تا بتواند که شیوه زندگی سعادتمند حقیقی را تحدید نماید که آرزوی هر مسلمان است، و تا یک جامعه اسلامی بتواند برای تنظیم برنامه حیات خویش در روشنی آن حرکت نماید.

و وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد جهت سهم گیری در رهنمایی مردم به راه راست، و وسائل مفید و با ثمر این کتاب را ضمن سلسله نشرات مفید خود اختیار نموده، تا برای مسلمانان در مشکلات زندگی شان به حیث یک راهنما باشد. از خداوند متعال طلب دارم که به مؤلف، و کسانی که در چاپ و نشر و ترتیب کتاب همکاری نموده اند اجر و ثواب عطا نماید.

والله الموفق والهادي إلى سواء السبيل، وهو حسبنا ونعم الوكيل، وصلى الله وبارك على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

دكتور/ عبد الله بن أحمد الزيد

مسؤول چاپ و نشرات در وزارت

مقدمه مؤلف

الحمد لله الذي له الحمد كله، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم.

أما بعد:

آسایش و سعادت قلبی و دوری از غم و اندوه خواسته هر انسان است، که از طریق آن زندگی سعادت‌مندانه بدست می‌آید، و خوشی و خوشبختی حاصل می‌گردد، و برای این امر: اسباب دینی، طبیعی، و عملی وجود دارد، که همه آن به جز مؤمنان به کسی دیگر مهیا نیست.

واگر برخی از آن به دیگران مهیا هم گردد لیکن انسانان عاقل و دانشمند آن را با تکلیف و مشقت بدست می‌آرند، و با وصف آن هم از بسیار اسباب و شیوه‌ها محروم می‌مانند، که در زندگی فعلی و آینده (انسان) مفید و مؤثر می‌باشد.

و من در این رساله خود برای رسیدن باین هدف عالی که هر انسان در تلاش رسیدن بآن است وسائلی را ذکر می‌نمایم که فعلاً به خاطر من است.

به برخی از انسان‌ها بسیاری از این اسباب مهیا گردیده و خوشگذرانی خوب، و زندگی سعادت‌مند، نصیب‌شان شده است.

و برخی دیگر از آن محروم مانده‌اند، و شقاوت و زندگی بد نصیب‌شان شده است. وعده دیگر در بین این دو قرار گرفته‌اند، بآن قدر که توفیق نصیب‌شان بود، و خداوند متعال تنها دفع‌کننده همه شرها، و توفیق‌دهنده همه خیرها است.

فصل:

[وسائل مفید برای دست آوردن زندگی سعادت‌مند]

۱- یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین این اسباب همانا: ایمان و عمل صالح است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿عَمِلَ مَنْ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ﴾ [النحل: ۹۷]
ترجمه: هرکسی که کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، و در (صورتی که) مومن باشد؛ پس بیگمان او را زندگی پاکیزه‌ای (میسر) می‌گردانیم، و ایشان را به نکوترین اعمال‌شان پاداش می‌دهیم.

پس خداوند به آنانیکه صاحب ایمان صحیح و عمل صالح‌اند وعده داده است که در این دنیا سعادت را نصیب‌شان می‌گرداند، و در دنیا و آخرت نیز ثواب و پاداش نیک به آن‌ها عطا می‌فرماید.

و سبب آن واضح است: زیرا کسانی که ایمان دارند با الله تعالی ایمان صحیح این ایمان باعث کارهای خوب، و عمل نیک، و عمل جور کوننده قلب‌ها، و اخلاق‌ها، و دنیا، و آخرتشان مفید گردد، در نزد آنان چنان اصول و شیوهای وجود دارد که در روشنی آن با تمام اسباب سعادت و خوشبختی، و اسباب پریشانی و غم و اندوه، تعامل درست و مثبت کرده می‌توانند.

به گونه‌ی که اگر خوشی و سعادت بر ایشان حاصل گردد به آن رضائیت نشان داده، و شکر آن را بجا می‌آورند، و از آن در کارهای مفید و مثبت استفاده مینمایند، هر گاه که آنان باین طور عمل کردن خوشی بآنان حاصل می‌گردد، و امیدی به بقای آن، و پاداش شکر آن بدستشان می‌آید، که خوبی‌ها و برکت‌های آن از این خوشی‌های ظاهر به مراتب بزرگ و عظیم‌شان می‌باشد.

او هنگامی که غم و پریشانی برایش برسد، تا حد ممکن با آن مقاومت می‌نماید تا آن را بکلی از خود دور سازد، و آنکه امکان تخفیفش باشد آن را تخفیف می‌نماید، و آنکه امکان منع کردنش نباشد آن را تحمل کرده و در مقابله از صبر و شکیبایی کار می‌گیرند، که در نتیجه مقاومت مفید، و برداشت تکالیف، و بدست آوردن تجارب مختلف، و صبر کردن در برابر مشکلات، و امید داشتن اجر و ثواب الهی چنان کارهای نیک و نتایج مفید و با ثمر بدست می‌آید، که با وجود آن تمام تکالیف از بین رفته مضمحل می‌گردد، و به خوشی، و آرزوهای نیک، امید داشتن اجر و ثواب الهی تبدیل می‌گردد، چنانچه پیامبر ﷺ از حالت و کیفیت مذکور در حدیث صحیح چنان تعبیر نموده می‌فرماید: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ». [روایت مسلم]

ترجمه: کار مؤمن قابل تعجب است، همه کارهایش نیکو است، اگر خوشی برایش حاصل گردد شکرش را بجا می‌آورد، و این در حقش خیر است، و اگر رنج و تکلیف برایش رخ دهد از صبر و شکیبایی کار می‌گیرد، و این در حقش خیر است، و جز مؤمن به دیگران چنان نیست.

پس پیامبر ﷺ این امر را بیان نمود که خوشی و پریشانی مومن هر دو سبب زیادت اجر و بادلش اعمالش می‌گردد.

اگر به دو نفری نگاه کنی که خیر و یا شر (خوشی یا رنج و تکلیف) برایشان حاصل گردیده است می‌بینی که این هر دو در عکس العمل در برابر آن از هم مختلف‌اند، و این ناشی از اختلاف است که در میان ایمان و عمل صالح این دو شخص وجود دارد.

و این کسی که ایمان و عمل صالح دارد، خیر و شر را با شکر و شکیبایی استقبال می‌نماید، و از اینجاست که برایش خوشی و شادمانی حاصل می‌گردد، و غم، و اندوه، و پریشانی، و ناراحتی، و تنگدلی، و بدبختی، از او دور می‌گردد، و در نتیجه آن زندگی خوب و سعادت‌مند در دنیا نصیبش می‌شود.

و کسی که صاحب ایمان و عمل صالح نبوده، او با بدست آوردن خوشی و سعادت غرور و تکبر نشان داده، و اخلاقش منحرف می‌گردد، و مانند چارپایان حریصانه با نعمت‌ها بر خورد می‌نماید، و با وجود این هم اطمینان و راحت قلبی برایش میسر نمی‌گردد، و به تشویش‌های گوناگون مبتلا بوده، چه از جهت ترس زوال این نعمت‌ها، و از جهت روبرو شدن با تکالیف، و از جهت خواهشات نفسانی انسان که هیچ حد و اندازه نداشته، و همیشه در تلاش بدست آوردن نعمت‌های هر چه بیشتر بوده که ممکن است برایش میسر گردد و یا هم نگردد، و اگر آن را هم بیاورد باز هم نظر به اسباب ذکر شده بالا- از تشویش عاری نبوده، و همیشه از روبرو شدن با تکالیف و رنج‌ها در بی تابی و هراسی و بی‌آرامی می‌باشد، پس پرسیانی از بدبختی زندگیش را نکن، که کمتر از آن بدبختی امراض فکری و عصبی، و ترس و هراسی است که با او رخ می‌دهد، و او را با بدترین حالات و افکار مبتلا می‌سازد، و این همه بسبب آنست که او بامید هیچ نوع اجر و پاداش اخروی نبوده، و نه توان چنان صبر و شکیبایی را داشته که این همه اندوه و مصیبت‌ها را بر وی آسان سازد، و او را تسلی دهد.

و این همه حالاتی است که بطور تجربه دیده شده است، و اگر در باره یکی از این‌ها باندیشی و حالات و کوائف مردم را بر آن قیاس‌نمایی خواهی دید که مسلمانی که مطابق ایمانش عمل نیک دارد با آن شخصی که چنان نیست تفاوت دارند، و این تفاوت از آنجاست که اسلام همیشه توصیه نموده است که باید به تقسیم الهی، و بآن نعمت‌های گوناگونی که از فضل و کرم خود به بندگان ارزانی نموده قناعت داشت.

و مومن هنگامی که به مرض فقر، و دیگر تکالیفی مانند آن که هر انسان با آن روبرو می‌شود مبتلا گردد، نظر به ایمان و رضائیت و قناعتش به تقسیم الهی او را همیشه خرسند و مطمئن می‌بینی، آرزوی آن چیزی را ندارد که در قسمتش نباشد، بکسی نگاه می‌کند که سطح زندگی‌اش از او کمتر و پائین تر باشد، و بکسی نگاه نمی‌کند که نسبت به وی زندگی خوبتر و بهتر دارد، و شاید که خوشحالی او و راحت قلبش بسیار تر باشد از کسانی که همه مطالب دنیوی را تحصیل نمودند ولی قناعت ندارند.

و آنکه عملش مطابق ایمانش نبوده، هنگامی که با فقر و بیچاره گی مبتلا شود، و برخی از مقاصدش تحقق نیامد، بی اندازه پریشان و غمگین می‌باشد.

مثال دیگر: هنگامی که انسان با ترس و پریشانی و ناقراری رو برو شود، می‌بینی که صاحب ایمان و قلب مطمئن از خود نشان داده، و در تنظیم کارها، و سنجش چاره‌سازی برای پریشانی که پیش آمده است، با آرامش و اراده قوی طبق توانای خود تفکیر و فعالیت می‌نماید، و خود را برای تحمل آنچه پیش آمده آماده می‌سازد، و این طور انسان به راحت، و قلبش مطمئن و استوار می‌باشد.

اما کسی که از ایمان بهره‌مند نباشد، او بر خلاف مثال‌های مذکوره بالا هنگامی که با پریشانی و ترس رو برو می‌گردد، قلبش ناقرار، و اعصابش نا راحت، و افکارش مشوش بوده، احساس ترس و هراس می‌نماید، و بر او مسلط می‌شود از بیرون ترس و هراس، و از داخل چنان پریشانی‌های که تعبیر آن دشوار است.

و باین نوع افراد اگر بعض اسباب طبیعی که به تمرین کافی ضرورت دارد مهیا نگردد، توانائی را از دست داده، و اعصابش پریشان شده از دست می‌دهد، و این همه بسبب فقدان ایمانی است که به انسان توانایی صبر و شکیبایی را می‌دهد، خصوصاً در وقت پریشانی‌ها و دشواری‌ها و تکالیف.

پس شخص نیکو کار و شخص بدکار، و مسلمان و کافر با آن که در بدست آوردن شجاعت اختیاری کسبی، و در غریزه که ترس و پریشانی را از انسان تخفیف می‌نماید، هردو با هم یکسان بوده، ولی مسلمان با قوت ایمانش، و با صبر و شکیبایی خود، و توکل نمودن بر خداوند، و امید داشتن به اجر و پاداش (آخری)، تمیز و ویژگی خاصی دارد، که شجاعتش را قوت می‌بخشد، و تاثیر پریشانی را از او تخفیف نموده، و مشکلات را بر وی آسان می‌سازد.

چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَلَهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ﴾ [النساء: ۱۰۴]

ترجمه: اگر شما دردمند می‌شوید ایشان نیز دردمند می‌شوند بهمانگونه که شما دردمند می‌شوید، اما شما از خداوند چیزی را امیدوار هستید که ایشان امید ندارند.

و مدد خاص الهی بر ایشان می‌رسد تمام پریشانی و ترس‌ها را از آنان دور می‌سازد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: ۴۶]

ترجمه: و شکیبایی ورزید، بیگمان الله با شکیبایان است.

۲- و از جمله اسباب و وسایلی که اندوه و پریشانی را دور می‌سازد یکی هم: **نیکی کردن با مردم بزبان و تعامل خوب**، که همه انواع آن از جمله خیر و احسان بشمار می‌رود، که بذریعه آن خداوند متعال از نیکو کار و بدکار باندازه نیکی‌اش با مردم اندوه و پریشانی‌اش را دور می‌سازد، ولی فرد مؤمن از آن حظ و نصیبی فراوانی دارد، و ویژه گئی مومن آنست که نیکی‌کردنش با مردم به اخلاص و بامید اجر و پاداش اخروی می‌باشد، و باین طور خداوند متعال کار نیک را بوی آسان ساخته، و نظر باخلاصی که دارد تکالیف را از وی دور می‌سازد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۴]

ترجمه: در بسیار از گفتگوهای راز گوهی‌شان خیری نیست مگر آن که کسی به صدقه‌ئی یا عمل نیکی یا مصالحتی بین مردم امر کند و کسی که این کار را برای طلب رضای خداوند می‌کند برای او مزدی بزرگ خواهیم داد.

پس خداوند متعالی این امر را بیان نمود که این همه کارها از صاحبش در جمله نیکویی شمرده می‌شود، و بذریعه این خیر و نیکویی خیر دیگری بدست می‌آید، و شر دفع می‌گردد، و مسلمانی که بامید اجر و ثواب کار خیر را انجام می‌دهد خداوند برایش پاداش بزرگ عطا

می‌فرمایید، و از جمله آن این هم است که اندوه و پریشانی‌ها و مانند آن را از وی دور می‌نماید.

فصل:

[بدست آوردن عمل مفید و علم با ثمر]

۳- از جمله اسباب و وسائل دور نمودن تشویش و اندوه ناشی از تشنگی اعصاب و پریشانی قلب یکی هم: مشغول ساختن خویش به عمل مفید و علم با ثمر است، زیرا این توجه‌اش را از آن چیز می‌گرداند که سبب پریشانی‌اش بوده است، و شاید که به سبب آن، چیزی را که سبب غم و اندوهش گردیده فراموش کند، و ازینرو قلبش خرسنده شده، و فعالیت و نشاطش زیاد می‌شود، و این خاصیت در میان مومن و کافر مشترک است، ولی مومن این ویژه گی را دارد که صاحب ایمان بوده، و با اخلاص و امید اجر و ثواب علم و دانش را فرا می‌گیرد، و یا به دیگران می‌آموزد، و طبق دانش خویش عمل نیک را انجام می‌دهد، اگر این کار عبادت بوده، پس پاداش عبادت بوی داده خواهد شد، و اگر کار دنیوی و یا از جمله عرف و عادت باشد نیز مومن آن را با نیک نیتی انجام می‌دهد که خداوند آن را ذریعه توفیق و توانایی بخشیدن بر عبادتش می‌گرداند، پس این همه در از بین بردن اندوه و پریشانی تاثیر قوی و وسیعی دارد.

چه بسیار مردم که دچار اندوه و پریشانی گردیده، و به امراض مختلف مبتلا شده‌اند، ولی دوا و علاج موفقانه‌اش این بوده که سبب اصلی این پریشانی‌ها را فراموش کرده، و به کاری دیگری خود را مصروف ساخته.

و بایستی کاری را که انجام می‌دهد باید کاری باشد که قلبش با آن اطمینان یافته، و بآن اشتیاق داشته باشد، زیرا باین طور می‌توان بآسانی به مقصد نیک خود نایل آید، و خداوند داناست.

۴- و از جمله اسباب که تشویش و پریشانی را از بین می‌برد اینست که: تمام فکر و توجه خود را متوجه کار امروز بسازد، و در مورد آینده فکر نکند، و در باره گذشته اظهار

اندوه ننماید، و از همین جاست که پیامبر ﷺ از «هَم» و «حَزَن» پناه جسته است^(۱)، «حَزَن» آنست که در باره چیزی گذشته که قابل برگشت نبوده اندوهگین گردد، و «هَم» آنست که از تکلیف آینده و مستقبل پریشان باشد، پس انسان باید مرد امروز خود باشد، و تمام کوشش و توانش را برای اصلاح کار امروز و وقت حاضر بچرخد، زیرا مبذول ساختن تمامی توجه به کارهای حاضر وسیله بانجام رسیدن آن می‌گردد، و بنده بذریعه آن از اندوه و پریشانی در امان می‌باشد.

پیامبر ﷺ که دعا می‌کرد، و یا امتش را بآن رهنمایی می‌داد، تو نیز با طلب مدد خداوند و چشم راست فضل و احسان او بر تلاش پیگیر جهت تحقیق آنچه که تحقیقش را می‌خواهد، و با دوری از آن چه که در سدد دفع آن است تشویق می‌نماید، زیرا دعا باید با عمل همراه باشد؛ از این جاست که بنده باید در باره کاری کوشش نماید که در دنیا و آخرت بر وی مفید باشد، و بخواهد از پروردگار خود کامیابی مقصد، و از او در این باره مدد بخواهد، چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِخْرِضْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَلَا تَعْجِزْ، وَإِذَا أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا كَانَ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ: قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ؛ فَإِنْ لَوْ تَفْتَحْ عَمَلَ الشَّيْطَانِ» [روایت مسلم]

ترجمه: بر آنچه که به تو مفید است حرص کن، و از خداوند مدد بخواه، و (در انجام دادن کار) ناتوان مه باش، و اگر برایت (تکلیفی) برسد چنان مگو: «اگر» چنان می‌کردم چنان و چنان می‌شد، بلکه اینطور بگو: الله (آن را) در تقدیر (مقرر) نمود، و آنچه خواست کرد، زیرا «اگر» کارهای شیطان را راه می‌گشاید.

پس پیامبر ﷺ (در حدیث) مذکور مطلب حریص بودن به کارهای همیشه مفید و خواستن کمک از خداوند، و تن ندادن به ناتوانی که اوست خود تنبلی ضررناک، و

۱- در حدیث که بخاری و مسلم آن را روایت نموده است.

مطلب تسلیم شدن به قضاء و قدر خداوند در چیزهای گزشته، و مشاهده قضاء و قدر الهی را یکجا یاد آور شده است.

و (پیامبر ﷺ) کارها را دو قسم نموده است:

یکی کارهایی که در مورد تحقق بخشیدن آن بطور کامل، و یا تا حد ممکن، و یا دفع کردن آن بطور کامل، و یا کاهش دادن ضرر آن تا حد ممکن، بنده می تواند سعی و کوشش نماید که در قسمت این نوع کارها بنده کوشش خود را جاری نموده، و از پروردگار خود در آن کمک می طلبد.

قسم دیگر کارهای که به هیچ وجه امکان پذیر نیست، پس در این طور کارها باید بنده مطمئن باشد، و (به قضاء و قدر الهی) تسلیم و راضی باشد. و شکی نیست که مراعات این اصل و قاعده و (مطابق آن عمل کردن) موجب خوشحالی و خوشی است، و سبب زایل شدن اندوه و پریشانی و غم است.

فصل:

[کثرت ذکر الله تعالی]

۵- از جمله بزرگ‌ترین اسباب اطمینان و آرامش قلب: کثرت ذکر (یاد نمودن) الله تعالی می‌باشد؛ زیرا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸]
ترجمه: با خبر که به ذکر الله دل‌ها آرام می‌گیرد.

پس یاد کردن خداوند نظر به خصوصیتی که دارد، و نظر به امید داشتن به ثواب، و پاداش الهی، برای تحقق همین مقصد تأثیری بزرگی دارد.

۶- و از (جمله این اسباب) همچنان: یاد کردن نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند است، زیرا شناخت نعمت‌های خداوند و ذکر آن‌ها غم و پریشانی را دور نموده، و بنده را به شکر نعمت وادار می‌نماید، که این خود از جمله مراتب بزرگ نیکی بشمار می‌رود، هرچند بنده دچار فقر و یا مرض باشد، و یا تکلیفی دیگر داشته باشد، اگر نعمت‌های خداوند را که به او ارزانی نموده است بشمارد، و یا در بین این نعمت‌ها و آن تکلیفی که برایش رسیده است مقایسه نماید، خواهد دید که این تکلیف در برابر نعمت‌های خداوند به هیچ وجه قابل ذکر نیست، بلکه بنده اگر در برابر مصیبت‌های که از جانب خداوند به او رسیده است صبر نماید و بآن راضی و تسلیم شود، آن بر وی آسان خواهد گردید، و از تکلیفش کاسته خواهد شد.

و در نتیجه تأمل و فکر بنده در ثواب و پاداش این امر، و پرستش خداوند متعالی، و صبر کردن بر آن، و راضی بودن از آن، این همه امور و کارهای تلخ را شیرین می‌سازد، و پاداش شیرینش تلخی صبر را از وی فراموش می‌نماید.

۷- و درین مورد مفیدترین کارها همان است: که پیامبر ﷺ در حدیث صحیح بآن ارشاد نموده، و مسلمانان را بآن تشویق کرده است، و فرموده است: «أَنْظَرُوا إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ، وَلَا تَنْظَرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ». [روایت بخاری]

ترجمه: به کسانی نظر کنید که از شما پائین تر باشد، و به کسانی نظر نکنید که از شما بالاتر باشد، و این شیوه شایسته است تا نعمت‌های را که خداوند به شما داده است کم نشمارید. و این جهت است که اگر بنده این اصل را مد نظر داشته باشد خواهد دید که در هر حالتی که باشد بازهم نسبت به تعدادی زیادی از مردم در داشتن عافیت و سعادت برتری دارد، و روزی‌اش از دیگران بیشتر است، و از اینجاست که پریشانی و غم و اندوهش از بین می‌رود، و خوشی و شادمانی بخاطری برخوردار از نعمت‌های که دارن به بسیار از دیگران برتری دارد نیز افزون می‌گردد.

و هر چند بنده در باره نعمت‌های ظاهری و باطنی، دینی و دنیوی، بیشتر به اندیشد و تأمل کند، خواهد دید که خداوند متعال خوبی‌های زیادی را نصیبش نموده، و تکلیف‌ها و شرهای زیادی را از وی دفع نموده است، که بدون شک این (اندیشه و تأمل) پریشانی‌ها و غم‌های زیادی را از وی دور خواهد کرد، و خوشی‌ها و خوشبختی‌های فراوانی را برایش عطا می‌کند.

فصل:

[فراموش کردن تکالیف و غموم گذشته و نترسیدن از آینده]

۸- یکی از اسباب جلب خوشی و از بین بردن غم و پریشانی اینست: که در محو کردن اسبابی که پریشانی‌ها و غم‌ها را ایجاد می‌کند سعی کند، و کوشش نماید که چیزهای را که سبب خوشحالی می‌باشد بدست آورد، و این هدف بدست می‌آید که هنجاری‌های گذشته را فراموش نماید، و متوجه گردد که مشغول کردن ذهن و فکر در آن‌ها کار بیهوده و حماقت و دیوانگی است، لهذا کوشش کند که قلب و ذهن خویش را از فکر کردن در چنین کارها نجات بخشد، و از ترس این که در آینده فقر، پریشانی، و تکالیفی دیگری که فکر می‌کند واقع خواهد شد ذهن خود را دور سازد.

پس بنده به این نتیجه می‌رسد که خیر و شر و آرزوها که در آینده رخ می‌دهد مجهول بوده، و در دست خداوند صاحب عزت و حکمت قرار دارد، و چیز از آن در دست بندها نیست، جز آن که در تحصیل خیرات و دفع مضرات آن بذل و کوشش نماید، و هم به این نتیجه می‌رسد که هرگاه انسان ذهن خود را از تشویش در باره آینده دور داشت، فقط درباره اصلاح کارها از خداوند مدد خواسته، و به آن اطمینان حاصل، قلبش راحت، کارهایش جاری، و تشویش و اندوهش دور می‌شود.

۹- و مفیدترین تدبیر در کارهای آینده: استعمال دعای است که پیامبر ﷺ به آن دعا میکرد: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» [روایت مسلم]

ترجمه: الهی دین من را برایم اصلاح کن که همان موجب درستی و استواری کار من است، و دنیایم را برایم اصلاح کن که در آن زندگی من است، و آخرتم را برایم اصلاح کن که به آن

باز گشت من است، و حیاتم را موجب افزایش امور خیر برایم گردان، و مرگ را موجب راحتم از همهٔ امور شر گردان.

وهمچنان این دعا: «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو؛ فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرَفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» [روایت ابو داود بسند صحیح]

ترجمه: الهی رحمت تو را خواهانم، پس مرا به نفسم — به پیمانۀ یک تحریک مژگان چشم — مگذار، و همه امورم را برایم اصلاح بخش، جز تو معبود بر حق نیست.

وقتی که انسان دعای مذکور را که در آن خوبی دین و مستقبل دنیای وی می باشد، با قلب حاضر و نیت راست بخواند، و در تحقیق آن بذل مساعی نماید، خداوند جل جلاله آنچه را خواسته و آرزو نموده و بخاطرش کار کرده برایش میسر می گرداند، و غم و اندوهش را به فرحت و سرور مبدل می سازد.

فصل:

[در وقت آسیب باید حالت بدتر از آن را در نظر گرفت، و بعداً در تخفیف آن کوشش نمود]

۱۰- از مفیدترین اسباب برای دور ساختن غم و پریشانی هنگامی که بنده به شکستی رو برو شد آن است: که در تخفیف و کم نمودن تاثیر مصیبت‌ها کوشش باید کرد، و آن طوری باشد که در وقت تکلیف و آسیب حالت بدتر از آن در نظر گرفته، و برای مقاومت آن استاده باشد، سپس قدری که ممکن است به همان مقدار در تخفیف ساختن آن کوشش نماید، پس در این مقاومت و کوشش گسترده پریشانی‌هایش از بین خواهد رفت، و در عوض آن در جلب خیر و دفع شر و ضرر هر قدری که برایش میسر باشد کوشش نماید.

وقتی که بالایش حالات ترس، یا امراض، و فقر پیش آید، و یا می‌خواهد که هر نوع چیزهای شایسته را بدست آرد، اما بر آن قادر نشود پس لازم است که این همه را با اطمینان و سکون قلب به پذیرد، بلکه خود را به برداشت تکالیفی بزرگتر از این مهیا سازد، زیرا که آمادگی به برداشت کردن چنین تکالیف آسیب‌ها را برای انسان آسانتر، و مشکلات‌ها را نیز کمتر می‌سازد، خصوصاً اگر به اندازه قدرت خویش در مقابل آن خود را آماده سازد، آنگاه بیشتر تسکین قلب برایش حاصل می‌گردد، و به کارهای مفید که او را در باره مصایب از فکر و اندیشه نجات می‌دهد مصروف خواهد شد، و او را در مقاومت با تکالیف قدرت جدیدی می‌بخشد، و با وجود این همه نیز باید توکل و اعتماد و یقینش بر خداوند عز و جل باشد.

پس هیچ شکی نیست که بزرگ‌ترین مفاد این چنین کارها باعث حصول فرحت و مسرت و انشراح صدر می‌باشد، علاوه بر ثواب و اجریکه بنده در دنیا و آخرت امید و طمع او را دارد، و آن به تجربه ثابت شده است، و کسانی که این را تجربه کرده‌اند بسیار اند.

فصل

۱۱- یکی از وسایل مهم علاج امراض دشواری‌های قلب، و همچنان امراض بدنی: داشتن قلب قوی، و از خیالات بیهوده و غیر حقیقی که افکار بد آن را ایجاد می‌کند متاثر نشدن است، زیرا اگر انسان به خیالات خویش تسلیم شود، و قلبش از ترسیدن و مبتلا شدن به امراض و غیره مانند: قهر، غضب، و از حالات دردناک، و رسیدن تکالیف و از تشویش از دست دادن اشیاء مرغوب متاثر شود، پس او را به چنان غم‌ها و اندیشه‌ها و امراض روحی و بدنی، و از دست دادن اعصاب مبتلا خواهد شد، که آثار وخیم آن به همه مردم آشکار و ظاهر است.

۱۲- وقتی که انسان به خداوند تعالی تکیه، و اعتماد، و توکل نماید، و به افکار بیجا، و خیالات فاسد تسلیم نشود، و اعتماد به خداوند تعالی کرده، و امیدوار رحمت و فضل او باشد؛ پس اندیشه و غم از او دور خواهد شد، و از بسیاری امراض بدنی و قلبی نجات خواهد یافت، و چنان قوت قلب، و آرامش، و خوشحالی، برایش پیدا خواهد شد که تعبیر کردن از آن دشوار می‌باشد.

چه قدر شفاخانه‌ها از بیماران وهمی و غیر حقیقی، و تشویش، و خیالات فاسده مملو است، چه قدر اصحاب دل‌های قوی قربانی چنین حالات شده‌اند، و اصحاب دل‌های ضعیف و ناتوان را در جایش بگذار!! و چه تعدادی از مردمان به سبب همین حالات به جنون و روانی عقل مبتلا شده‌اند؟

و مرد سالم آنست که خداوند عز وجل او را صحت داده، و توفیق این را برایش عطا فرموده که آن اسباب مفید قوت قلب را بدست آرد، که از وی تشویش و اندیشه‌ها را دفع کند، خداوند عز وجل می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳]

ترجمه: کسی که به الله توکل کند پس او برایش کافی است.

یعنی (خداوند عز وجل انسان را) انجام‌دادن همه کارهای دنیا و آخرت بسنده است. پس کسی که به خداوند توکل کند چنین صاحب قلب قوی می‌باشد که افکار بیهوده برای او هرگز تاثیر نمی‌کند، و نه او را اوهام و حوادث پریشان می‌سازد، زیرا او می‌داند که در چنین کارها تشویش کردن و پریشان‌شدن علامه ضعف قلب و از ترس بیجا است، و با وجود این یقین دارد که خداوند عز وجل برای کسی کافیت که به او توکل و اعتماد دارد، پس به خداوند عز وجل اعتماد کرده و به وعده او مطمئن می‌باشید، از همین جهت غم و پریشانی از بین رفته، و مشکلاتش به آسانی و راحت، و پریشانی‌هایش به خوشی، و خوفش به سکون تبدیل می‌شود.

پس از خداوند طلب می‌کنیم که ما را به فضل خویش عافیت، و قوت قلب، و ثبات، و توکل کامل دهد، بهمانگونه که دارندگان همین صفات را به عطای همه خیر و دور کردن همه شر و تکلیف وعده کرده.

فصل

۱۳- در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «لَا يَفْرُكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا خُلُقًا آخَرَ». [روایت مسلم]

ترجمه: بد نینگارد مرد مومن زن مومن را، چه اگر بعض خصال او را نه پسندد خصلت دیگر او مورد پسندش قرار خواهد گرفت.

در این دو فایده وجود دارد:

فایده اول: رهنمائی است چگونگی معامله بازن، با نزدیکان، با دوستان، و با کسانی که بآن‌ها شراکت دارند، و با هر آن که میان تو و او بگونه ارتباط و علاقه وجود دارد، باید خود را به این قناعت داد که البته اگر در شخصی عیب و نقصان و یا مزاج نا پسندیده می‌باشد، وقتی که با چیزی از این قبیل متوجه شدید پس با محبتی که به اساس ارتباط و تعلق با اوست باید آن را قوی دانسته باشید و مقایسه کنید، و صفات پسندیده و مقاصد نیک خاص و عام که دارای آنست بیاد آورید، طوری که از عیوب چشم پوشی شود و صفات نیک و مقاصد خاصه و عمومی در نظر گرفته شود، و رفاقت و ارتباط همیشه برقرار میماند، و راحت و اطمینان حاصل می‌شود.

فایده دوم: محوشدن تشویش و اندیشه، و بقای صمیمت و صفای خاطر، و همیشه بجا آوردن حقوق که فرض و یا مستحب است، و حصول اطمینان در بین هر دو جانب. و هر که به این ارشاد و رهنمائی پیامبر ﷺ عمل نکرد، و بخلاف آن عمل کرد، یعنی از صفات نیکوی شخص چشم پوشد، و به عیوبش نظر کند، آن ناچار و ناراحت می‌گردد، و محبتی که در بین آن‌ها وجود دارد، و همچنان در پهلوی این بسیاری از حقوقی که بجا آوردن آن بالای هر دو لازم است - ضایع خواهد شد.

اکثر مردمان با همت در وقت وقوع مصیبت خود را صبر و اطمینان تلقین میدهند، اما به سبب کارهای ساده و آسان تشویش می‌کنند، و پریشان می‌شود، و صفای قلب‌شان از بین می‌رود، زیرا که آن‌ها خود را در مقابل کارهای بزرگ عیار ساخته، و به کارهای کوچک التفات نکرده‌اند، این شیوه بر ایشان مضر ثابت شده، و راحت ایشان را از بین برده. پس صاحبان عزم و اراده محکم در مقابل کارهای خورد و کلان خود را آماده ساخته، و از خداوند ﷻ خواهان کمک و معاونت می‌باشند، و از وی استدعا می‌کنند که آن‌ها را یک لحظه هم به نفسهای‌شان نگذراند.

به این وسیله کارهای خورد مانند کارهای کلان بر ایشان آسان شده، و همیشه خاطرشان جمع، و قلبشان آرام می‌باشد.

فصل:

[زندگی کوتاه خویش را نباید به غم و اندیشه‌ها سپرد]

۱۴- خردمند می‌داند که زندگی سعادت و راحت یگانه زندگی حقیقی می‌باشد، و آن هم بسیار کوتاه است، پس نباید به غم و اندیش آن را کوتاه تر سازد، زیرا که اینگونه عمل مخالف مفهوم زندگی سالم می‌باشد، لهذا کوشش باید کرد که قسمت بزرگ زندگی شکار نا راحتی و پریشانی‌ها نشود، در این موضوع مرد نیکو و مرد فاسد مساوی هستند، مگر مومن را در تحقیق این گونه عمل حصه بزرگ و نصیب نیکو، و فواید دنیا و آخرت می‌باشد.

۱۵- هنگامی که انسان را تکلیف می‌رسد، یا از رسیدن تکلیف می‌هراسد، در بین چنین تکالیفی که به او رسیده و در بین نعمت‌های دنیوی و دینی که از آن بهره‌مند است مقایسه باید کرد، پس می‌بیند که تعداد نعمت‌ها بسیار، و تکالیفی که به او رسیده در مقابل آن هیچ نیست.

همچنان اگر احتمال وقوع ضرر وجود داشته باشد، و از پیش شدن آن می‌هراسد، و نیز پیدایش راه‌های سد وقوع آن ضرر محتمل باشد، باید در بین احتمال ضعیف وقوع ضرر و احتمال‌های بسیار سلامتی از آن فکر کند، و آن دو را باهم مقایسه نماید، و هرگز اجازه ندهد که یک احتمال ضعیف علیه احتمالات قوی غالب گردد، که از همین طریق دفع می‌شود، و پیش از وقوع مصیبت باید احتمال وقوع مصیبت بزرگتر را در نظر گرفته شود، و خود را برای آن مجهز سازد اگر واقع شود برای دفاع آن و تخفیف آن، و یا آنچه بوقوع نه پیوسته و احتمال وقوعش باشد برای دفع آن کوشش باید کرد.

۱۶- و یکی از کارهای مفید و مؤثر این است: ضرری که مردم به تو می‌رسانند، بالخصوص به الفاظ نا شایسته، در حقیقت ضرر بخود ایشان است، و برای تو هیچ ضرر

نمی‌رسد، مگر این که ذهنت را در آن مصروف کنی، و اجازه بدهی که احساسات تو را صدمه رسانند، پس اگر چنین کنی طوری که به صاحبانش ضرر است پس برای خودت ضرر می‌باشد.

۱۷- بدان که: **زندگی تابع خیالات و افکارت می‌باشد**، اگر در باره کارهای که در دین یا دنیا مفید است فکر کنی زندگیت پر مسرت و با سعادت می‌باشد، و اگر نه نتیجه‌اش خلاف این است.

۱۸- از وسایل مؤثر دفع کردن غم و پریشانی این هم می‌باشد: **که خود را به این که تنها از خداوند تعالی امیدوار شکر و ثواب هستی قناعت بده، هنگامی که با کسی نیکی کردی - به قطع نظر از این که بالای تو حق دارد یا ندارد - بدان که این در حقیقت نیکی کردن با خداوند تعالی است**، پس از آن انسان امید شکر مکن، طوری که خداوند تعالی در باره بندگان خاص خویش می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾ [الإنسان: ۹]

ترجمه: شما را محض به روی الله طعام می‌دهیم و از شما عوض و شکرانه‌گی نمی‌خواهیم. و این شیوه خصوصاً در تعامل با اهل و عیال یا کسی که با او ارتباط قوی باشد مهم‌تر است، وقتی که از آن‌ها یک شر و یا تکلیف را دور بسازی آنان هم در راحت می‌باشند و تو نیز آرام و مطمئن می‌باشی.

و یکی از اسباب حصول اطمینان این نیز است: **که اعمال نیکو را از ته قلب و با شوق و رغبت باید کرد**، نه به تکلفی که موجب تشویش می‌گردد و تو را از خیر بی‌بهره می‌گرداند زیرا که راه کج را انتخاب نمودی، و این کار حکمت است، که از کارهای آلوده کارهای خوب ایجاد نمایی، و به این طریقه شیرینی‌ها بسیار می‌شود، و کدورت‌ها از بین می‌رود.

۱۹- **کارهای مفید را هدف قرار ده، و در بر آوردن آن سعی و کوشش نمائید**، و به کارهای مضر نظر نکنید، تا که از اسباب غم و پریشانی‌ها دور باشید، و از آرامش و اطمینان قلب خود استفاده کن تا که کارهای سخت را آسان کنی.

۲۰- یکی از کارهای مفید اینست: که کارها را حالا اجرا کنید، و به کارهای آینده خود را فارغ نمایید، زیرا اگر کارها در اوقاتش اجرا نشود، و همه کارهای سابقه و لاحق جمع شود، آن وقت انجام دادنش دشوار خواهد بود، و اگر هریک در وقتش اجرا شود، برای انجام دادن کارهای آینده بقوت و فکر درست و در وقت مناسب برای تان دست می‌دهد.

۲۱- و بهتر است که از کارهای مفید باید انتخاب کرد که از همه مهم، جالب و پسندیده باشد، و اگر نه با خستگی و پشیمانی و خفگان رو برو خواهید شد، چنین کارها را به فکر سالم و مشوره انجام دهید، زیرا هر که از دیگران مشوره می‌گیرد پشیمان نمی‌شود. کارهای را که می‌خواهید انجام دهید، در باره‌اش به غور و دقت فکر کنید، اگر مصلحت و فایده در آن می‌بینید، و عزم و اراده اجرانمودنش را کردید، پس به خداوند عز و جلاله توکل نمائید، هر آینه خداوند عز و جلاله توکل کنندگان را دوست دارد.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم